

گفت‌وگوی تفصیلی آفتاب یزد بامصطفی تاجزاده

روحانی به گفتمان قبلی خود باز گردد

آفتاب یزد- مریم عزیززاده منصوری- سید علیرضا کریمی:

به گمان بسیاری از فعالان و کارشناسان حوزه سیاست، وکلای مردم در خانه ملت و سایر تصمیم گیرندگان کشور، «مقطع حساس کنونی» همین برهه‌ای از تاریخ است که اکنون در آن به سر می‌بریم. برای بی بردن به این موضوع هم لازم نیست حتما در پس نام‌های خانوادگی مان عناوین کارشناس و تحلیلگر قرار گیرد، تنها با گذر در کوچ‌ها و خیابان‌های هر گوشه از این ساسمان و مواجهه با مردمی که به دلیل رکود در کسب و کار، حقوق‌های معوقه و ناتوانی در تامین معاش خانواده‌هایشان جمع کرده اند یا با گوشه چشمی انداختن به فقه‌های اجناس در مغازه‌ها و فروشگاه‌ها می‌توان به فضای گزاره «مقطع حساس کنونی» پی برد.

در چنین شرایطی از یک سو جناح سیاسی اصلاح طلب در

❗ آقای تاجزاده‌ای شک می‌داند که کشور

در شرایط خاصی به سر می‌برد. با وجود آنکه

به نظر می‌رسید دولت حسن روحانی در حوزه

سیاست خارجی، رویکردی معقول و منطقی

اتخاذ کرده بود، با تغییر رئیس‌جمهوری

آمریکسا، برجام از شکل عادی خود خارج

شد و هم اکنون مردم با مشکلات بسیاری

دست و پنجه نرم می‌کنند. در این وضعیت

پیش‌بینی‌تان از آینده ایران چیست؟

قبیل از اینکه ترامپ روی کار بیاید و برجام را به هم بزند، عده‌ای کوشیدند برجام را در داخل به هم بزنند. این افراد می‌خواهند نقش خود را در ناکارآمد کردن برجام پنهان کنند حال آنکه سهم کارشکنی‌ها در داخل برای به شکست کشاندن برجام کمتر از کارشکنی‌ها در خارج نبود. پس درست است که ترامپ بازی را برهم زد اما واقعیت این است که ما قبل از آن هم نتوانستیم از فرصت برجام استفاده کامل کنیم.

فرض بر این بود که با پذیرش برجام در حال

تبدیل شدن به یک بازگر معقول و موثر در صحنه جهانی هستیم و می‌توانیم از این نظم اگرچه نادان‌لانه است اما منافع و سود خود را ببریم البته در کنار محدودیت‌هایی که به ما تحمیل می‌شود. اما در داخل اجازه ادامه این مسیر را ندادند. باید از همان ابتدا در قالب یک بسته به توافق دست می‌یافتیم. در برخی موارد مانند عراق و افغانستان مواضع ما به آمریکا نزدیک تر از اروپاست. پس در این مناطق با آمریکا می‌توانیم همکاری کنیم. البته اختلافات بسیار جدی هم با آمریکا داریم اما برجام ثابت کرد که ما می‌توانیم درباره موضوعات مختلف به توافق برسیم و البته چالش‌ها هم بر سر مسائل اختلافی یا برجا بماند. حتی می‌توانیم در مورد مسائل منطقه‌ای مذاکره کنیم و در منطقه بازی برد بردی تعریف کنیم که با کاهش حساسیت‌ها علیه خود در دنیا اهداف ملت ایران را پوشه ببریم.

متاسفم که تیغه همه جانبه ایران محور سیاست خارجی نیست یعنی به امنیت ملی و پایدار از منظر توسعه کشور نگاه نمی‌شود.

❗ اصولگرایان می‌گویند که ما زمان مذاکره

با غرب این روزها را پیش‌بینی می‌کردیم...

این گروه اگر قدرت چنین پیش‌بینی‌هایی را داشتند به ملت ایران توضیح می‌دادند که چرا پیش‌بینی نکردند که پرونده ایران به شورای امنیت می‌رود؟ ما که بارها و بارها اعلام کردیم با مسیری که شما پیش گرفته‌اید پرونده ایران به شورای امنیت می‌رود و ما تحریم می‌شویم و روز به روز این تحریم‌ها بیشتر و گم‌رشدن می‌شود. خب این افرادی که کشور تحريم شده که این روزها را پیش‌بینی کرده بودند، چرا سال ۹۰ پیش‌بینی نکردند که ایران تحریم نفتی و بانکی می‌شود؟! اگر یادتان باشد در آن زمان می‌گفتند نفت ما را تحریم نمی‌کنند چون نفت می‌شود بشکه‌ای ۲۵۰ دلار، تحریم نفتی کردند یک دلار هم نفت گران نشد، گفتند بانک مرکزی ما را تحریم نمی‌کنند چون اساسا به لحاظ فنی امکان پذیر نیست که بانک مرکزی یک کشور را تحریم کند. بانک مرکزی تحریم شد و هیچ اتفاقی هم نیفتاد. بنابراین اگر این اصولگرایان اهل پیش‌بینی علمی بودند در زمان خود پیش‌بینی می‌کردند. در آن زمان به آنها می‌گفتیم نگذارید که کشور تحریم شود که آن صورت به این راحتی شرایط به حالت اول بازمی‌گردد و مشکلات جدی ایجاد می‌شود که این اتفاق هم افتاد.

بسیار خب! شما پیش‌بینی می‌کردید که ارز

۲ و نیم برابر می‌شود چرا سال ۹۰ که سكان کشور در اختیار شما بود پیش‌بینی نکردید که

❗ نظام پشتوانه مردمی دارد. ممکن

است اشتفتگی ایجاد شود. صریح تر

بگویم. ایران را هم ونزوئلابی شدن

تهدید می‌کند و هم سورهای شدن

و هم هردو باهم

❗ از نقش محافظت‌کننده

اصلاح‌طلبان، معارضان جمهوری

اسلامی بیش از موافقان آگاهند

و به این دلیل لبه تیز حملاتشان

متوجه اول اصلاحات و دوم

اصلاح‌طلبان است. خیلی روشن

می‌گویند باوجود اصلاح‌طلبان در

ایران نه انقلاب می‌شود نه خارجی

می‌توانند خالت‌نظامی‌ی کنند

تیرس نگاه پرسشگر مردم، قرار گرفته که اکنون نهادهای

انتخابی کشور را تحت اختیار دارند و با ایجاد جریان « تکرار می‌کنم» ملت ایران را به پای صندوق‌های رای کشانده اندو از دیگر سو نیروهای اپوزیسیون یا همان گروه‌های برانداز، گروه اصلاح طلب را هدف حمله خود قرار داد چرا که آن‌ها را بانی حفظ وضعیت موجود و مانع از سرنگونی نظام می‌پندارند.

در این آشفته بازاری که مسبب آن، درفراسوی مرزا، تحریم‌های ترامپ و خروج دولت آمریکا از برجام و در درون مرزا، تندروی‌ها و به باور کارشناسان عملکرد ضعیف مسئولین در کنترل اوضاع اقتصادی کشور بوده است، به سراغ یکی از چهره‌های سرشناس و هزینه داده اصلاح طلب رفته ایم که همچون بسیاری از اصلاح‌طلبان به خاطر برخوردار نبودن از تریبون‌های رسمی برای رساندن صدایش به مردم از شبکه‌های مجازی بهره می‌یزد و

امینتشان حفظ شد، اما فعالیت‌هایشان در منطقه بیشتر و تهاجمی تر شده است. با تکیه به چنین بهانه‌هایی بازی را به هم زد. همین‌جا هم بگویم در قوت برجام همین بس که ترامپ تا از برجام خارج نشد، نتوانست ایران را تحریم کند. اگر یک روزنه و تبصره در برجام وجود داشت که به آمریکا اجازه می‌داد با متعهد ماندن به آن بتواند اقدام به تحریم ایران کند، از آن تبصره استفاده می‌کرد. ولی برای تحریم کردن ایران چاره‌ای جز خارج شدن از برجام نیافت حتی به قیمت منزوی شدن و رفتن ابراهیز در دنیا. کارشناس سنی آن ان می‌گوید تحریم‌هایی که ترامپ در حال اعمال آن است همان تحریم‌های اوبامااست با این تفاوت که ترامپ تنهاست. در آن زمان اوباما به نام جامعه جهانی اقدام به تحریم ایران می‌کرد و همه دنیا هم از او حمایت می‌کردند؛ اروپا، روسیه، چین، هند و...

❗ اینکه می‌گویند دولت تمام‌تخم‌مرغ‌هایش را در سبد برجام گذاشت، می‌پذیرید؟

خیر. اگرچه می‌پذیرم که دولت برجام را گرفت، ولی به منطقه بی‌توجهی کرد. به همین دلیل باافاصله بعد از برجام باید سراغ منطقه می‌رفت. در منطقه نیز دولت باید محور سیاست خارجی باشد. در مرحله صلح سوریه بسیاری از کشورها در حال گرفتن امتیازهای بزرگ هستند.

❗ آقای تاجزاده! مطلع هستید که این روزها جریان برانداز بر حجم فعالیت‌های خود افزوده است. این جریان که حدودا قلمتی ۱۰ ساله دارد، اکنون یکنه در سال ۹۷ چه جایگاهی دارد و آن را چگونه می‌بینید؟

خوشبختانه هنوز اکثریت مردم جامعه مخالف به هم خوردن اوضاع و به معنای دقیق‌تر طرفدار حفظ نظم و ثبات هستند. نمی‌خواهند شرایط ایران به هم بریزد. بسیاری از مخالفان هم می‌گویند نمی‌خواهیم هزینه‌های سنگینی مثل سوریه، لیبی و یمن بدهیم. بنابراین هنوز بالای ۶۰ درصد مردم امیدوارند و آرزو می‌کنند که کشور به گونه‌ای عمل کند که اصلاح امور در آن ممکن باشد و خطاها برطرف شود و با یک راهبرد درست بتوان کشتی کشور را به جلو راند. بنابراین باید نجابت و صبوری مردم را قدر دانست و دست به اصلاحات فوری زد. الان برانزاه‌ها به ناراضتی‌های عمومی که به خصوص با افزایش قیمت دلار و طلا بالا رفته است و کمک ترامپ برای خرابکاری دل بسته اند. باوجود این امیدواری هیچ اتفاق ناگواری رخ نخواهد داد، اگر ما عاقلانه و درست عمل کنیم. نظام شورتونی مردمی دارد. ممکن است اشتفتگی ایجاد شود. به همین دلیل باید خیلی مسئولانه عمل کنیم. یک لحظه غفلت کنیم اوضاع از دست مان خارج می‌شود.

به هر حال ما باید آرامش به جامعه بدهیم، عاقلانه عمل کنیم و به سمت حل و فصل مشکلات و اختلافات برویم.

❗ چرا نوک پیکان حمله براندازان به

سوی اصلاح‌طلبان است و بیش از آنکه منتقد اصولگرایان باشند، دل بری از شما

اصلاح‌طلبان دارند؟

برخی کشورهای منطقه اگر گروه اصلاح‌طلب داشتند اوضاع کشورشان به اینجا نمی‌رسید. منظورم جناحی است که هم‌زمان بتواند با جناح حاکم صحبت کند و تعامل کند. در جایی که لازم ببینند به او نهیب بزند که به کجا می‌رود. از آن سو با مردم حرف بزند و همدارشان دهد که نباید وارد برخی از راه‌ها شد، چون سرر از ناکجا آباد در خواهیم آورد. آنچه سره را نابود کرد، دستوراتوزری مخالفان که دست به دامان خارجی‌ها شدند و فکر می‌کردند می‌توانند با کمک بیگانگان پیروز شوند و دخالت خارجی بود. در ایران جناح اصلاح‌طلب باید فعالانه در صحنه حاضر باشد. از این نقش محافظت‌کننده معارضان جمهوری اسلامی بیش از موافقان آگاهند و به این دلیل لبه تیز حملاتشان متوجه اول اصلاحات و دوم اصلاح‌طلبان است. خیلی روشن می‌گویند باوجود اصلاح‌طلبان در ایران نه انقلاب می‌شود نه خارجی می‌تواند دخالت نظامی کند.

❗ چنین جناحی با تعبیری که شما کردید؛ در ایران وجود دارد؟

بله الان هست. براندازان می‌گویند باید جناح اصلاح‌طلب را تضعیف کنیم که از سر راه ما کنار رود و نباشد یا همراه ما شود.

❗ یعنی اگر طی ۳-۴ ماه آینده انتخاباتی در کشور برگزار شود، آیا مردم برای بار چهارم به اصلاح‌طلبان اعتماد می‌کنند و پای

صندوق‌های رای می‌آیند؟ با توجه به اینکه

برخلاف بسیاری از اصلاح طلبان در مقطع کنونی مهر سکوت به لب نمی‌زند و مردم ناراضی را با واژگانی چون « ناسازگار » مورد خطاب قرار نمی‌دهد.

مصطفی تاجزاده همان مردی است که تصویرش را بر جلد کتاب‌های دست دومی که فرش خیابان انقلاب شده اند، دیده‌ایم. عکسی که متعلق به دوران معاونتش در وزارت کشور دولت اصلاحات است و مربوط به زمانی است که به عنوان معاون سیاسی وزارت کشور بانی برگزاری انتخابات مجلس ششم بوده است.

متن زیر، گفت‌وگوی تفصیلی آفتاب یزد با سید مصطفی تاجزاده درباره پایگاه اجتماعی کنونی اصلاح طلبان، وضعیت اپوزیسیون‌های نظام و شرایط حسن روحانی در این مقطع حساس کشور است که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم:

هم اکنون نهادهای انتخابی در سراسر کشور به دست این جناح سیاسی است.

ممکن است این اتفاق بیفتد ممکن هم است نیفتد. البته به نظر من مثل گذشته موج و جریان ایجاد نمی‌شود زیرا اصلاح‌طلبان ریزش نیرو داشته‌اند. باوجود این هنوز یکی از تاثیرگذارترین جریان‌های کشور جریان اصلاح‌طلب است. ممکن است در انتخاباتی بیازند اما باز هم ۴۰ درصد آرای شرکت‌کنندگان را به دست می‌آورند. اینگونه نیست که ما از هم پاشیده باشیم. نهایت این است که مسا انتخاباتی را به رقیب برایش می‌کنیم اما کشور ما پارچا می‌ماند. در شرایط که می‌گوئیم در انتخابات پیروز شویم اما در شرایط خطرناک می‌توانیم تا ایران بماند. چرا ادرشیر زاهدی در واکنشگتن پست مسئله می‌نویسد یا داریوش همایون می‌گوید من تا به حال به اسرائیل خوشبین بودم اما الان بحث ایران مطرح است؟ به این نتیجه رسیده است که کسانی به دنبال تجزیه ایران هستند نه سقوط حکومت جمهوری اسلامی. می‌گویند چرا باید کشور بزرگی به نام ایران در چنین منطقه‌ای به این حساسی وجود داشته باشد؟ خبر خوب که به سه چهار کشور کوچک تجزیه شود، دیگر نمی‌تواند به مسائل دیگر بپردازد. بنابراین وقتی مسئله ایران مطرح هست دفاع از اصلاحات و نه اصلاح‌طلبان حرف اول را می‌زند.

❗ آقای تاجزاده این مسئله روشن است که جناح رقیب اصلاح‌طلبان علاقه‌ای به قدرت گرفتن اصلاح‌طلبان ندارد و از آن سو هم دولتی که اصلاح‌طلبان روی کار آوردند نتوانسته به همه وعده‌هایش عمل کند. در چنین شرایطی اصلاح‌طلبان باید چه کنند که همچنان در جامعه محبوبیت داشته باشند؟

مهم‌ترین بحث این روزها میان اصلاح‌طلبان، سوال شماسست. ما به طور جدی درباره این موضوع بحث می‌کنیم. ببینید تا پایان سال ۹۸ که انتخابات مجلس است، ۳ حالت پیش روی ماست. اول اینکه هیچ اتفاقی نیفتد. جامعه ما همین ناراضیاتی پیش رود و گسست و شوری ایجاد نگردد. برای پیروزی در انتخابات به پشتیبانی مردم نیازمندیم.

دوم فرض کنیم که بخواهند دولت را حذف کنند، حالا با هر روشی یا با هر هزینه‌ای. آیا می‌خواهیم در برابر آنها بایستیم یا نه؟ آیا نیاز به پشتوانه مردمی داریم یا خیر؟ به عبارت دیگر اگر قوی باشیم بهتر می‌توانیم بایستیم یا اگر ضعیف باشیم؟ جواب روشن است.

سوم اگر خدای نکرده کشور دچار اعتصاب و شورش شود اصلاح‌طلبان می‌خواهند یک نقش فعال ایفا کنند یا نه؟ برای گفت‌وگو با معترضان و حکومت و نزدیک کردن دیدگاه‌های دو طرف به یکدیگر نباید پایگاه مردمی خوبی داشته باشیم؟ یعنی به حکومت بگویند کوتاه گی و به معترضان هم بگویند تظاهرات حق شماست ولی برخی شعارها با حرکت‌ها را انجام ندهید برای اینکه ممکن است کشور به وضعیت بدی دچار شود. باز اگر بخواهیم که با حکومت صحبت کنیم هم با مردم، باید اعتبار مردمی داشته باشیم. بنابراین در هر سه حالتی که ممکن است برای آینده متصور شد، ما نیازمند این هستیم که رابطه مان را با مردم ترمیم کنیم. در این موضوع تردیدی نیست. حالا وارد بهبود رابطه با مردم چکار کنیم؟ چند اقدام لازم است که خوشبختانه در اصلاح‌طلبان شروع شده است. یکی اینکه دیدگاه‌هایمان در مورد ریشه مسائل و مشکلات کشور و همین‌طور راهکارهای نجات آن را ارائه بدهیم. بگوییم به نظر ما علل و عوامل مشکلات اینها هستند و باید چنین اصلاحاتی در سیاست خارجی، اقتصاد، مدیریت و... صورت دهیم. مردم ارائه راهکارهای خاص اقتصادی است. مثل آن نامه ۳۸ اقتصاددان، اصلاح‌طلبان اقتصاددان نیز ۱۰ راهکار اقتصادی پیشنهاد دهند. سوم دفاع از حقوق مردم است از دانشجویان تا زنان، از کارگران تا معلمان از حقوقشان دفاع کنیم و با نمایندگان آنها وارد دیالوگ شویم و ببینیم که کدام یک از مطالباتشان در شرایط کنونی تحقق یافتنی است. اگر این مجموعه راه بیفتد جامعه احساس می‌کند که اصلاح‌طلبان زنده‌اند و در صحنه حاضرند.

❗ آقای تاجزاده وقتی در میان مردم قرار

می‌گیریم و با آنها به گفت‌وگو می‌نشینیم در می‌یابیم که آنها احساس نمی‌کنند اصلاح‌طلبان در کنارشان هستند در شرایط کنونی. مثلا این مردم هنگامی که برای رهایی از مشکلی معترض می‌شوند و تجمع می‌کنند، اصلاح‌طلبان را گاه حتی در مقابل

خود می‌بینند. منظور از معترضین آنهايي

هستند که به وضعیت معیشتی و کاری خود اعتراض دارند و دچار مشکلات هستند اما موافقی صداهایی از سوی چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب شنیده شده که خوشایند نه تنها مردم معترض که سایر اعضای جامعه نیز نبوده مثلا یکی از این افراد شاخص، مردم معترض از ساختار شکن نامیده است. در چنین شرایطی آیا واقعا اصلاح‌طلبان برای نزدیکی به مردم تلاش می‌کنند؟

من با شما هم عقیده هستم و برخی واژه‌هایی را که بعضی دوستان به کار می‌برند، نمی‌پسندم. معترضین مردم هستند. قطعاً در هر اعتراض افرادی سواه‌استفاده می‌کنند. به هر حال اعتراض حق مردم است. قانون اساسی این حق را به آنها داده است. قانون هم این حق را ن داده بود، اعتراض حق فطری و الهی انسان‌هاست. خوشبختانه قانون اساسی هم این حق را به رسمیت شناخته است و هر کس می‌این دو بعد را در نظر نگیرد، خطا می‌کند. اما اینکه آیا ما باید در تظاهرات مزبور همگام با مردم معترض شرکت کنیم؟ مردم شرکت نکردند نه به دلیل اینکه این افراد مردم نبودند و اعتراض حق آنها نیست، بلکه فکر می‌کردم مجموع خساراتی که اعتراضات خیابانی می‌توانست به بار بیاورد بیشتر از منافع است. البته این یک تحلیل است. روشن بگویم اعتراضات در ایران با شعارهای ساختارشکن یا کنار زده می‌شوند یا در صورت تداوم به آشوب درگیری مردم با مردم منجر می‌شود. اما وقتی نظام سیاسی پشتوانه مردمی دارد حتی اگر اقترب شهروندان باشند و نیز اراده و ابزار و امکان کنار زدن دارد و از سوی دیگر ترامپ منتظر بهانه برای دخالت است و کاری هم ندارد که مطالبات واقعی مردم معترض چیست و ابایی ندارد که بلاپی کند. اگر سرزنش کردند سراسر ایران هم بیاورند، باید به شدت محتاط بود. ما را تحریم کرده‌اند بهای دلار رسیده به بالای ۱۰ هزار تومان. حال اگر فردا روزی منطقه متنوع پروازی برآیمان تعیین کنند، دلار می‌شود ۲۰ هزار تومان و دودش مستقیم به چشم مردم می‌رود. اگر مردم احساس کنند که ما حق اعتراضشان دفاع می‌کنیم اما تحلیل ما با تحلیل آنها متفاوت است، به نظرم اکثریت جامعه موضع ما را می‌پذیرد. باید دائم تاکید کنیم که

این معترضین مردم هستند و قانون اساسی به آنها حق اعتراض داده است و هم‌زمان بکوشیم با حل مشکلات جامعه و تبیین مسائل برای مردم نقشی تاریخی ایفا کنیم که متأسفانه در کشور‌های منطقه ایفا نشد و آنها به چنین وضعیت فلاکت‌باری رسیدند. وقتی به جناح حاکم نهیب بزنیم که شما باید اصلاحات لازم را انجام دهید، جامعه امیدوار می‌شود که جناحی به فکر آنهاست و امیدوار می‌شود اما وقتی عده‌های ببیند هیچ کس به فکر مردم و معترضان نیست و اقدامی نمی‌کند و حرفی نمی‌زند، متأسفانه تنها راه را تداوم اعتراضات خیابانی می‌بیند.

❗ شاید یک نفر باید از دل اصلاح‌طلبان

بیرون بیاید که صحبتش مقبول جناح حاکم

باشد نه به فرض آقای تاجزاده‌ای که ابزار

اطلارسنایشان کانال تلگرامی و اکانت

تویتری است...

ما به کارمان ادامه می‌دهیم. بالاخره جریان اصلی



عکس: آفتاب یزد، داده‌خانی

❗ در قوت برجام همین بس که ترامپ تا از برجام خارج نشد، نتوانست ایران را تحریم کند. اگر یک روزنه و تبصره در برجام وجود داشت که به آمریکا اجازه می‌داد با متعهد ماندن به آن بتواند اقدام به تحریم ایران کند، از آن تبصره استفاده می‌کرد. ولی برای تحریم کردن ایران چاره‌ای جز خارج شدن از برجام نیافت حتی به قیمت منزوی شدن و رفتن آبرویش در دنیا.

❗ هنوز بالای ۶۰ درصد مردم امیدوارند و آرزو می‌کنند که جمهوری اسلامی به گونه‌ای عمل کند که اصلاح امور در آن ممکن باشد و خطاها برطرف شود و با یک راهبرد درست بتوان کشتی کشور را به ساحل نجات رساند

اصلاح‌طلب هم به میدان می‌آید. من معتقدم اگر اصلاح‌طلبان به رسالت تاریخی خود عمل کنند حتی آقای روحانی هم صریح‌تر و شفاف‌تر سخن خواهد گفت. ولی اگر ما سکوت کنیم او هم محافظه کارتر می‌شود.

❗ به عنوان سوال آخر. بالاخره آقای رئیس‌جمهوری پشت تریبون مجلس قرار گرفت. آیا از سخنرانی او در میان نمایندگان مردم رضایت داشتید؟ بسیاری این نطق را محافطه کارانه و مسویق به سابقه نامیدند. نظر شما چیست؟

سخنان رئیس‌جمهور در در جلسه علنی روز سه‌شنبه مجلس باید از زوایای گوناگون مورد نقد و تحلیل قرار داد. من انتظاری بیشتری داشتم و فکر می‌کنم اگر رئیس‌جمهور وقت خود را عمدتاً صرف تبیین این مسئله می‌کرد که چرا در چهار سال و نیم گذشته یک نوع آرامش و ثبات اقتصادی بر جامعه حاکم بود اما ظرف چند ماه گذشته این چنین وضع اقتصادی کشور آشفته و نابسامان شده است، بهتر و مفیدتر می‌بود. دلایل این تغییر می‌توانست برای مردم راهگشا و امیدبخش باشد، ولی آقای روحانی کمتر به این مسائل پرداخت. او کی این موضوع را باز می‌کرد آن وقت می‌توانست به نقش برجام هم به طور دقیق‌تری اشاره کند و همین‌طور کارشکنی‌ها در طول این مدت و تاثیری که تحریم‌ها بر جامعه ما به جای می‌گذارد، را افشا نماید.

البته آقای روحانی بر یک نکته جدید پافشاری کرد و آن اینکه ذهنیت مردم تغییر کرده است. به نظر من این حرف کاملاً درست است اما ایشان توضیح نداد که چرا این ذهنیت تغییر یافته است. ساختار این-دگرگوونی را هم تبخیم دی خواند که تفسیر ناقصی از تظاهرات اعتراضی است که در مشهد برآه افتاد و شعارها به سمت و سوی دیگری رفت. اگر ذهنیت مردم عوض شده است، حتماً دلایل مهم دیگری دارد، زیرا این اولین باری نیست که شاهد تظاهرات اعتراضی امیز هستیم. به رئیس‌جمهور رای منفی دهم و یک روحانی روحانی باید هدف گذاری‌اش بر مردم می‌بود اما

به نظر من آقای روحانی باید به این مسئله به‌طور دقیق می‌پرداخت و آن را توضیح می‌داد و افکار عمومی را قانع می‌کرد. تلاش او برای اقتض ناماینده‌ی راه به جایی نرسد و جناح اکثریت نمایندگان از قبل تصمیم گرفته بود که به رئیس‌جمهور رای منفی دهم و یک روحانی باشد که نبرداشتن به مسائل مهم باعث جری شدن رقبا و تضعیف خود او می‌شود و مردم را خدای نکرده ناامید می‌کند.